

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

داکتر سها  
۱۸ نومبر ۲۰۱۸

## نقد قرآن

۴۵

### آیات تأمین جنسی محمد

بحث مبسوط در مورد زنان و کنیزان محمد در کتاب "نقد رفتار محمد" آمده است در اینجا به صورت چکیده به آیات مربوط به زنان محمد می پردازیم. آیات بسیاری اختصاص به زنان و کنیزان محمد دارد. در قرآن خدا در حد کارگزار حرمسرای محمد پائین آورده شده است تا انواع زنان و کنیزان زیبا روی را برای شهوت جنسی سیری ناپذیر محمد تأمین کند و مشکلات او و زناش را حل کند.

ذکر اینهمه آیت جنسی در مورد روابط خصوصی زناشویی محمد و زنان او در قرآن نشانگر خوی شهوت پرستی شدید محمد است به نحوی که قادر نبوده است از ذکر معشوقه هایش در قرآن صرف نظر کند، همانطور که چنین وضعی را ما در افراد شهوتران می بینیم که فکر و ذکر آنان مربوط به زنان و شهوترانی با آنان است و از بیان علنی آنهم ابائی ندارند. جای این سؤال است که این مباحث خصوصی جنسی محمد چه سودی در هدایت انسانها دارد که باید تا ابد جزو قرآن باشد؟ و آیا واقعاً این جور کردن زن برای محمد، کار خداست یا محمد است که پشت نام خدا پنهان شده است؟

### زنان حلال بر محمد

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَعْلَمْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ اللَّاتِي آتَيْتَ أُجُورَهُنَّ وَمَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ مِمَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَيْكَ وَبَنَاتِ عَمَّاتِكَ وَبَنَاتِ خَالَكَ وَبَنَاتِ خَالَاتِكَ اللَّاتِي هَاجَرْنَ مَعَكَ وَامْرَأَةً مُؤْمِنَةً إِنْ وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرَادَ النَّبِيُّ أَنْ يَسْتَنْكِحَهَا خَالِصَةً لَكَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ قَدْ عَلِمْنَا مَا فَرَضْنَا عَلَيْهِمْ فِي أَزْوَاجِهِمْ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ لِكَيْلَا يَكُونَ عَلَيْكَ حَرَجٌ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (۵۰) احزاب

ای پیامبر ما برای تو آن همسرانی را که مهرشان را داده ای حلال کردیم و [کنیزانی] را که خدا از غنیمت جنگی در اختیار تو قرار داده و دختران کاکایت و دختران عمه هایت و دختران مامایت تو و دختران خاله هایت که با تو مهاجرت کرده اند و زن مؤمنی که خود را [داوطلبانه] به پیامبر ببخشد در صورتی که پیامبر بخواهد او را به زنی گیرد [این ازدواج از روی بخشش] ویژه توست نه دیگر مؤمنان ما نیک می دانیم که در مورد زنان و کنیزانشان چه بر آنان مقرر کرده ایم تا برای تو مشکلی پیش نیاید و خدا همواره آمرزنده مهربان است (۵۰)

در این آیت، محمد از قول خدا، تقریباً تمام زنان (به جز خویشان درجه يك مثل خواهر و مادر و دختر، که البته زناشویی با آنان برای هر انسانی مسمنر کننده است) را بر خود حلال کرده است به هر تعداد و به هر مدت. حرمسرانی کامل که هر پادشاهی آرزویش را می کند. در انتهای این آیت از قول خدا آورده است که اینهمه را بر تو حلال کردیم تا تو دچار مشکل نباشی. یعنی هدف خدا آنست که مبدا محمد در ارضای شهوتش دچار کوچکترین مشکلی شود، مبدا زنی را بخواهد و نتواند تصاحب کند. وقتی آیت فوق نازل شد، عایشه به محمد گفت: «ان الله يسارع لك في هواك»: "یعنی خدا سریع است در برآوردن تمایلات تو" (۱) که مؤید سخنی است که قبلاً گفتیم که در قرآن، خدا کارگزار حرمسرانی محمد است، تا انواع زنان و کنیزان زیبا روی را برای شهوت جنسی سیری ناپذیر محمد تأمین کند و مشکلات او و زناش را حل کند.

تعداد زنان محمداً تا حدود ۴۰ نفر شمرده اند. محمد در این راستا، علاوه بر تعداد زیادی زن که به صورت خواستگاری گرفت، دختر نابالغ (عایشه در سن ۶ سالگی)، همسر دیگران (زینب بنت جحش) و همسران و دختران دیگران را که خود را به محمد هدیه می کردند، از آن خود کرد. همچنین زنان و دخترانی را که به زور در جنگها می گرفت به مالکیت خود در می آورد و مورد تجاوز جنسی قرار می داد. این چهار نوع تصاحب زنان، ناجوانمردانه ترین و غیر انسانی ترین نوع تصاحب زنان بود. مگر پادشاهان برای تصاحب زنان و دختران مردم چه می کردند که محمد نکرد؟! پس چرا پادشاهان را محکوم می کنید و به محمد به به می گوئید؟

محمد در سن ۵۳ سالگی عایشه را در سن ۷ یا ۶ سالگی به ازدواج خود در آورد (۲).

اولاً اینکار یعنی نابود کردن حق انتخاب همسر برای دختر. کودکی چون عایشه که حتی مفهوم ازدواج را هم نمی داند چرا باید بدون آگاهی و خواستش به ازدواج مردی ۵۳ ساله در آید. متأسفانه اینکار محمد منشای يك حکم فقهی است که پدر می تواند کودکانش را قبل از بلوغ به ازدواج دیگران در آورد که نقض آشکار حقوق بشر است. ثانیاً آیا نباید تناسبی از نظر سنی بین همسران وجود داشته باشد؟ ۶ سال کجا و ۵۳ سال کجا؟ این نیز بی توجهی کامل به حقوق و احساسات و عواطف زوجه است.

همانطور که در آیت فوق آمده است، محمد يك حکم اختصاصی برای خودش جعل کرد که هر زنی که خواست می تواند خودش را به محمد هدیه کند و محمد اگر او را پسندید می تواند به ازدواج خود در آورد. طبیعی است که با قدرت و موقعیتی که محمد داشت زنان تمایل به ازدواج با او پیدا می کنند و او می تواند زیباترینشان را براحتی تصاحب کند. آیا این سوء استفاده از موقعیت اجتماعی نیست؟ اگر يك كدخدا یا دیکتاتور یا رئیس جمهور یا فوتبالیست محبوب بخواهد چنین کند چه پیش خواهد آمد؟ کدام عقل سلیمی اینکار زشت را قبول می کند؟ ظاهراً خود محمد هم متوجه شده بود که اینکار غیر انسانی قابل اجراء نیست و آن را مختص خود دانست نه دیگران.

روش دیگر تصاحب زنان در اسلام بردگی است. محمد در جنگهایش زنان و دختران را می ربود و بین لشکریانش قسمت می کرد و زنان و دختران به عنوان بردگان جنسی مادام العمر مورد تجاوز جنسی قرار می گرفتند. کمی تأمل کنید؛ شنیده اید که بعضی پادشاهان در جنگ با دشمنانشان مثلاً زنان يك روستا را برای شبی در اختیار سربازانشان قرار می دادند. زشتی و شناعة اینکار قلب هر انسان سالمی را به درد می آورد. حال دقت کنید؛ محمد دختران و زنان غیر مسلمانان را و حتی زنان شوهر دار را نه برای يك شب، بلکه برای همیشه نه در اختیار سربازانش بلکه مملوک سربازانش قرار می داد زنان آزاد را به درجه کالا تنزل می داد تا هم برای مسلمانان نوکری کنند و هم برای همیشه ابزار لذت جنسی آنان باشند. این شنیعترین کاری است که انسانی می تواند مرتکب شود اینکار يك جنایت

هولناک است که در زشتی قرین ندارد. آیا تو به عنوان يك انسان عاقل گمان می کنی که این جنایات هولناک، که قرآن و محمد به آن دستور داده اند، کار خداست؟ آیا ممکن است خدا تا این حد رذل باشد؟

### تصاحب همسر دیگران؛ زینب بنت جحش:

زینب بنت جحش همسر زیبای زید(برده و پسرخوانده محمد) بود. روزی محمد برای دیدن زید به خانه وی رفت. زید در خانه نبود و محمد با دیدن زینب تحت تأثیر وی قرار گرفت و بازگشت در حالی که می گفت سبحان الله العظيم سبحان مصرف القلوب یعنی منزه است خدای بزرگ، منزه است برگرداننده قلبها. این جمله محمد نشانگر شدت تأثیر زیبایی زینب در دل اوست. وقتی زید به خانه آمد زینب داستان را به او گفت و زید به دلیل شدت اعتقادی که به محمد داشت نزد محمد آمد که زینب را طلاق دهد و محمد به ازدواج خود درآورد. محمد در ابتداء گفت: تقوی پیشه کن و همسر خود را نگه دار، در حالی که عشق به زینب را در دلش پنهان کرده بود. ولی بعداً آیات زیر را نازل کرد و مدعی شد که خدا زینب را طلاق داده و به عقد محمد در آورده است (۳)

وقتی اختیار محمد نسبت به مردم از اختیار خود مردم نسبت به خودشان بیشتر است، طبعاً محمد وقتی از زن زیبای پسر خوانده اش خوشش می آید، آیت نازل می کند و آن زن را تصاحب می کند. در اینکار چیزی که مطرح نیست، خواست آن زوج جوان است. عشق دو جوان را لگدکوب می کند، خانواده ای را از هم می پاشد برای اینکه به خواست خودش برسد.

وَإِذْ نَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا (۳۷) مَا كَانَ عَلَى النَّبِيِّ مِنْ حَرَجٍ فِيمَا فَرَضَ اللَّهُ لَهُ سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدَرًا مَقْدُورًا (۳۸) احزاب

ترجمه: و آنگاه که به کسی که خدا بر او نعمت ارزانی داشته بود و تو [نیز] به او نعمت داده بودی می گفתי همسرت را پیش خود نگاه دار و از خدا پروا بدار و آنچه را که خدا آشکارکننده آن بود در دل خود پنهان می کردی و از مردم می ترسیدی با آن که خدا سزاوارتر بود که از او بترسی پس چون زید از آن [زن] کام برگرفت [و او را ترک گفت] وی را به نکاح تو درآوردیم تا [در آینده] در مورد ازدواج مؤمنان با زنان پسرخواندگانشان چون آنان را طلاق گفتند گناهی نباشد و فرمان خدا صورت اجرا پذیرد (۳۷) بر پیامبر در آنچه خدا برای او فرض گردانیده گناهی نیست [این] سنت خداست که از دیرباز در میان گذشتگان [معمول] بوده و فرمان خدا همواره به اندازه مقرر [و متناسب با توانائی] است (۳۸)

محمد برای پرهیز از زشتی این عمل و برطرف کردن تردید هوادارانش، این عمل شنیع را به خدا نسبت می دهد. در آیت ۳۸ مدعی شده که اینکار حکم خدا بوده و بنابراین محمد گناهی مرتکب نشده است و به اینصورت این کار ناپسند را به گردن خدا می اندازد. همچنین در آخر آیت قبل مدعی شده که اینکار برای اینست که مردم برای ازدواج با زن مطلقه پسرخوانده شان مشکلی نداشته باشند. چون در جاهلیت پسرخوانده نقش پسر را داشت و کسی نمی توانست با همسر پسرخوانده اش ازدواج کند. آیا نمی شد این حکم جاهلی را با آیتی فسخ کرد و حتماً لازم بود اینکار با این زشتی و ناجوانمردانگی انجام شود؟

اینکار محمد منشای يك حکم فقهی شده که علمای شیعه می گویند ولایت فقیه می تواند همسر فردی را بدون اجازه اش طلاق دهد و به ازدواج خودش یا دیگری در آورد.

نکته دیگر اینست که در این آیات کسی که اصلاً مطرح نیست و خواست و ارده اش هیچ اهمیتی ندارد خود زینب است .  
مخصوصاً به قَضَى زید منها و طَرّاً دقت کنید . می گوید حال که زید از او لذت جنسی برد او را به عقد محمد در آورد .  
این آیت بی ارزشی فوق العاده زن را در اسلام نشان می دهد که حتی زنی به زیبایی زینب که محمد عاشقش می شود  
هیچ اختیاری در ازدواج و طلاق خویش ندارد و صرفاً يك وسیله لذت جوئی جنسی است .  
تصور کنید اگر روحانیون و رؤسا بخواهند این عمل زشت محمد را الگوی خویش قرار دهند چه می شود؟ هر رئیسی  
اگر از زن زبردستانش خوشش آمد آن زبردست باید زنش را طلاق دهد و به او واگذار کند، همانگونه که در مورد  
ولایت فقیه می گویند .

ادامه دارد

### مراجعات:

- (۱) - الدر المنثور ۶/۶۲۹ سیره ابن اسحاق ۵/۲۵۰
- (۲) سیرت رسول الله ص ۵۴۹ ، ترجمه سیره بن هشام ، نشر مرکز
- (۳) - این موضوع در منابع متعدد از جمله در المسترک علی الصحیحین ۴/۲۵ و در تفسیرهای الدر المنثور و کشف و طبری در ذیل آیت مربوطه آمده است .